

قشم

علی فلسفی میاب، مریم ابوالفتحی
سهراب بناوند، شبان میر شکرایی

شهرستان قشم بزرگ‌ترین جزیره استان هرمزگان و خلیج فارس است. شهرستان قشم شامل ۳ بخش و ۸ دهستان و به نام‌های سوزا، دولاب، صلخ، لارک و هنگام است. پزشکی سنتی این منطقه بیش از هر چیز درباره چگونگی درمان بیماری‌ها است که ما در اینجا به بررسی چند نمونه می‌پردازیم.

بیماری‌های روحی و روانی

در این منطقه بیماری روحی به نام بادبازار معروف است، و هر فردی که بادی به او رسیده باشد، از اهل هوا شمرده شده و زارش می‌گیرد. درمان آن قربانی دادن و تسلیم شدن است، هرگاه باد به سراغ فردی بیاید بر گرده او سوار می‌شود و مرکوب باد است و باد به‌زودی او را هوایی می‌کند از این رو از اهل هوا است. برای رهایی از درد و رنج باد باید نزد بابازارها و مامازارها برود. ماما یا بابای زار، رابطی است بین زار و فرد مبتلا. و از آنجا که هر بادی همانند انسان‌ها در گونه‌های متفاوت چون مهربان، بی‌رحم، بینا، نابینا، کافر و مسلمان است، ماما یا بابا با اجرای مراسمی خاص، باد ویژه را پایین می‌آورد، و درخواست‌های او را به اطلاع بیمار می‌رساند، در پی بررسی‌های به عمل آمده تعداد بادها را قریب به ۷۲ باد می‌دانند، نام بادها ترکیبی از عربی، افریقایی، فارسی است و هر کدام از زادگاه خود به سراغ بیمار آمده‌اند برخی از این نام‌ها را که بابازار جزیره هرمز و جزیره هنگام ذکر کرده است عبارت‌اند از:

مابت (mâbet) که بزرگ‌زارها است. اُف مابت (of mâbet)، شیخ شنگر (šix šangar)، سیف (seyf)، سادانی (sadani)، یاور (yāvar)، کشم (kešm)، دی‌کپ تو (daykaptu)، لاگیتو (lāgito)، گله نتو (qalley nato)، بربره (Barbara)، شم‌بره (šambara)، شن‌توو (šantov) و نام برخی از مشایخ و بزرگان مانند شیخ شائب و شیخ شریف.

با این توصیفات هنوز برخی از تعریف‌ها برای باد و طبیعت وجودی آن‌ها روشن نیست چون از نظر مجلس خاص با بازارها و نوع رقص و موسیقی به کار رفته در آن جنبه افریقایی دارد. اما این بادها وقتی که کرانه‌های ایران و کشورهای اسلامی وارد شدند، رنگ و بوی اسلامی و ایرانی گرفته چنان که در نوع

شعرهایی که در مجلس خوانده می‌شود مدح حضرت محمد(ص) نیز آورده می‌شود. و در برخورد با باورهای عامیانه ایرانی همچون جن و آل، باورهایی چون جن و پری، غول، دیو، ام‌الصبيان را نیز به آن آمیخته‌اند. و برخی از بادهای مودی و آزارساننده را از نوع ارواح خبیثه و متعلق در فضا و زمان عالم برزخ نیز می‌دانند.

در این بررسی، گرفتاران بادها اغلب ملوانان، فقیران، غواصان صدف هستند، بعد از بیماری برای درمان نزد بابا می‌روند، درمان آن‌ها با پرداخت انگشتر طلا، پیراهن و پارچه‌های فاخر... به بابا و مامای زار است تا باد رام شده به زیر بیاید و از آن پس بسیار آزار نرساند، ولی هرکس اهل هوا شد، به ناچار و بدون فرمان از خود هرگاه صدای دهل و آوای بابای زار به گوشش برسد، مسخ شده و راهی جمع زاری‌ها می‌شود.

زار

فردی که زار و باد سراغش آمد، حالش دگرگون می‌شود و چون قریب به ۷۲ گونه باد وجود دارد بیمار به هر ۷۲ گونه باد ممکن است واکنش نشان بدهد. بیماری زار از سن ده سالگی به بعد چه دختر و چه پسر را دربرمی‌گیرد. و بیمار زاری در اولین لحظه برخورد با دوستان و آشنایان، فوراً شناخته شده و با این توضیح که او را جن گرفته است وی را نزد دکتر می‌برند، اگر دکتر نتوانست کاری بکند، نزد ملا می‌روند تا دعایی بگیرند و جن را از تن بیمار جدا کنند، ولی باد بیماری نیست که با دکتر و دعا رفع شود، باد خون می‌خواهد، و تسلیم محض و اینجاست که بیمار را به‌ناچار به نزد ماما یا بابای زار می‌برند. در نقاط بررسی شده بیماری زار را بدترین نوع بیماری می‌دانند، حتی مامای زار در جزیره هنگام بعد از اینکه سؤال شد: آیا پسرش زار دارد یا خیر؟ با ناراحتی و گریه گفت خدا نکند پسرم را زار بگیرد، بیماری زار بد دردی است خدا نکند.

بیماری زار از چندین طریق به انسان می‌رسد؛ یا از شدت دشمنی فردی، زار خود را به جان کس دیگر می‌اندازد یا از شدت علاقه و دوستی زار را به فرد دیگر هدیه می‌دهند، و یا اینکه باد و زار خود به سراغ فردی تنها و منزوی می‌رود و گریبانگیرش می‌کند.

بعد از معاینه بیمار از نظر بابا یا ماما و احتمال اینکه بیمار را باد گرفته است و هفت روز او را از دید دوستان و آشنایان مخفی می‌کنند، سپس بدن و تن بیمار را می‌شویند، در این هفت روز بیمار از دیدار زن، فرزندان و حتی پرندگان محروم است. و اگر بیمار زن باشد از دیدار نامحرم‌ها دور نگه می‌دارند. در واقع بیمار زار گرفته مجرد شده است، یعنی اندام‌ها و اعضای بدنش گویی در گرفتگی و بی‌حسی محض فرو رفته است و قدرتی ندارد و حرکات دیوانه‌وار می‌کند.

در تمام شب‌هایی که بیمار در قرنطینه ماما و بابا زار است، بدن و تن او را با روغن کنجد یا نارگیل می‌مالند. علاوه بر آن از معجونی به نام گره‌کو که ترکیبی از مواد معطر همچون ریحان، زعفران، بوخس، هل، جوز، زبان جوجه گشته که در محلول گلاب خیسانده‌اند، می‌مالند و مقداری را نیز به وی می‌خورانند، در اتاق بیمار مدام گشته (gešte) و اسپند روشن است.

بعد از هفت روز بیمار را به حمام برده، و تن و بدنش را می‌شویند، بعد از حمام بر دود گشته

می‌نشانند سپس تشک و لحاف او را در وسط اتاق و جایی که مجلس زار برپا خواهد شد پهن می‌کنند و دور تا دورش را با پرده محصور می‌کنند، و از زاری‌های دیگر دعوت می‌شود برای بازی حاضر شوند. زاری‌ها با آوای دُهل و ساز بابای زار می‌رقصند، دست می‌زنند، البته هر کسی رقصی را می‌کند که زارش او را فرمان می‌دهد، ممکن است مراسم و رقص زار از یک شب تا سه شب ادامه بیابد، و آن مربوط می‌شود به زاری که وارد بدن بیمار شده است، اگر در مدت ۳ شب زار پایین نیاید، بابا یا ماما از درمان وی عاجز شده و بیمار زاری از شهر و روستا رانده می‌شود، اما اگر زارش پایین آمد، در واقع بعد از مدتی رقص، ترساندن، و خوردن خون که از زبان مامای زار یا بابای زار خورده می‌شود زار پایین آمده و با زبانی که بابا یا ماما می‌فهمد نامش و جنس و زادگاهش را می‌گوید، و در پایان درخواست‌های خود را مطرح می‌کند. وقتی اسم مشخص شد، اگر بیمار توانایی داشت تا بلافاصله مجلس بازی را برپا کند که هیچ فوراً یک رویه هندی می‌آورند و نام زار را روی آن نوشته بر بازوی بیمار می‌بندند، و مجلس و خوراک را تأمین می‌کنند، اگر توانایی نداشت، ماما یا بابای زار از باد مهلت می‌خواهد، مثلاً یکماه، یا شش ماه بعد بز می‌خواهد، برنج، روغن، لباس، زیورآلات، خیزران، و تن‌پوش خیزران که یا طلا است یا نقره در واقع در پایان پایین آمدن زار، زار از تن بیمار خارج شده اما در سرش باد زار قرار می‌گیرد و تا مادامی که سفره نذر و قربانی پهن نشود او همچنان مرکوب زار است.

البته جن به همین راحتی از تن بیمار خارج نمی‌شود بلکه با تهدید و ضربه‌ها که بر بدن و تن بیمار یا در واقع باد خورده می‌شود، از تن خارج می‌شود، ولی هنوز به زیر نیامده است، برای به پایین آمدن، در مهلت معین شده یکی از زنان یا مردان اهل هوا یک روز پیش‌تر به درخانه‌های اهل هوا رفته و یکایک آن‌ها را دعوت می‌کند تا برای بازی آماده شوند و بیایند.

مجلس بازی حال و هوای دیگری دارد، ادوات موسیقی شامل دهل بزرگ و کوچک و کسِر، نوعی ساز بادی به نام مودیندو (modendo) معمولاً کوبیدن و به صدا انداختن تنبور که از مهم‌ترین ادوات موسیقی زار است به عهده بابا یا مامای زار است که آن را بنوازد. برای اینکه تنبور آماده شود ابتدا برایش سینی حاوی روغن نارگیل، عود و منقل برای سوزاندن گشته می‌آورند. به محض شروع موسیقی، دختران و زنان اهل هوا ترانه‌هایی را می‌خوانند و به تدریج هر فرد با زار خود را به رقص و پایکوبی برخاسته، رقص از سر شروع شده سپس شانه‌ها و همه اندام‌ها را در بر می‌گیرد، مجلس در فضایی از بوی عود و کندروک، گشته و اسپند عطرآگین است. در همین حین سفره را نیز گسترده‌اند و هر نوع خوردنی و کشیدنی نظیر قلیان مهیا است. زاری‌ها در حین رقص از تنقلات موجود در سفره به اطراف پرتاب می‌کنند تا زار آن‌ها از آن تنقلات بخورد. مجلس با سه مرحله رقص آغاز شده و پایان می‌یابد و در فواصل مابین رقص‌ها یک دوره پذیرایی صورت می‌گیرد که شامل کشیدن قلیان، نوشیدنی چای و قهوه، تنقلات، و تخم‌مرغ آیز است.

سپس خون قربانی را در تشت بزرگی ریخته وسط مجلس قرار می‌دهند. یک استکان از خون را برداشته با زعفران، گلاب، ریحان و هِل خوردنی، جوز، اُشیون، گِست (gest) سابیده شده می‌آمیزند و در استکان ریخته یک عدد کارد را در لیوان قرار داده ابتدا به مریض می‌خورانند سپس تمامی اهل هوا از آن می‌نوشند، سپس بابا یا ماما هفت بار خیزران بر پشت و تن بیمار می‌زند، البته این ضربات را

بیمار نمی‌فهمد، تا خون بخورد، سپس بابا بادی را که پایین آمده است مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌پرسد، چه می‌خواهی؟ در جواب باد می‌گوید: طلا، (انگشتر، لباس، النگو، گوشواره) خیزران و بیمار باید از هر کدام آن‌ها که بابا یا مامای زار نام برد، آماده کند و انگشتر و لباس، النگو و گوشواره را در دست بیندازد و هیچ‌گاه از خود دور نکند.^۱ و حتی اگر مجلس بازی رفت از آن‌ها استفاده کند تا زارش در آن مجلس حاضر شود. در این زمان بابا شعر می‌خواند و زاری‌ها با آن دم می‌گیرند و دست می‌کوبند بیمار خودبه‌خود آرام آرام تکان می‌خورد و این نشان جابه‌جایی باد در بدن است تا موقعی که حرکات او ریتمیک شده همانند سایر بادی‌ها می‌رقصد سپس بابا یا ماما زار مجدداً باد را مخاطب قرار داده با خیزران تهدید می‌کند که این بیمار زاری شده است و تو بایستی بعد از این درصدد آزار و اذیت زن، فرزند مادر و خواهر و برادرهایش بر نیایی و اذیت نکنی و زار مطیع شده از این پس در بدن بیمار خود می‌ماند.

گفتنی است که در مجلس بازی هر کس وارد می‌شود نباید سلام بگوید، و بی‌سر و صدا برود در جایی بنشیند زن ناپاک در مجلس بازی وارد نمی‌شود در مجلس بازی نام‌نامه را نمی‌آورند. و اگر فرد سالم در مجلس حاضر شود نباید بر مراسم و آیین‌های آن‌ها با دیده تمسخر نگاه کند چون بدون فوت وقت او را زاری می‌کنند و از آنجا که در آن مجلس تمام بادها حاضرند درمان وی به‌سختی امکان‌پذیر خواهد شد.

علاوه بر بیماری زار در نقاط بررسی شده ترسیدن از جن و پری و آزار دیدن از دست بَب دریا- پدر دریا- نیز از بیماری‌های روحی رایج است و این چنین بیماری را اصطلاحاً مضرت (mozarat) یا مجرد (mojard) می‌نامند. وضعیت عمومی بیمار تب و لرز، گریه و زاری بی‌مورد، لرزه و در هنگام خواب و پریدن از خواب و بی‌خوابی است. برای درمان نزد ملا می‌روند. وی با نوشتن دعای هیکل و ادعیه‌های مخصوص که به روش‌های دود دادن، آویختن بر گردن و بازو استفاده می‌شود به درمان بیماری می‌پردازد.

در بعضی موارد نیز برای جن و پری، که بیمار او را اذیت کرده است، سفره غذایی مهیا می‌کنند به همراه بیمار در مکانی که احتمال می‌دهند بیمار آنجا ترسیده است می‌برند سپس مقداری گشته را سوزانده، پارچه‌ای را روی دود گشته می‌گیرند تا عطر بگیرد سپس پارچه را روی تن و بدن بیمار می‌کشند، به همراه سفره مهیا شده به محل مورد نظر می‌برند.

این سفره را اصطلاحاً بوخشی (boxaši) می‌نامند، در این سفره تنقلات شیرین نظیر، خرما، ماهی خشک، شکر، تخم‌مرغ آب‌پز گذاشته ابتدا سفره را ۳ بار دور رختخواب بیمار می‌چرخانند، سپس به دست فردی که ترسد می‌سپارند.

وی بعد از رفتن در محل مورد نظر بدون اینکه بسم‌الله بر زبان بیاورد خطاب به جن و پری می‌گوید برای اینکه بیمار را رهایی ببخشند غذا آورده است. سفره را همانجا قرار داده بدون اینکه پشت به سفره

۱. البته مکالمات مابین بابا یا مامای زار قابل فهم اطرافیان نیست و در حین رقص بابا یا ماما اصواتی را از دهان خارج می‌کنند که حاصل مکالمه او با زار بیمار است.

کند به خانه برمی‌گردد، و اگر بیمار را برده باشند بیمار نیز باید به سفره پشت کند. بعضی وقت‌ها پری‌ها تقاضای گوسفند یا بز^۱ می‌کنند، در این صورت بز و گوسفند زنده را در همراهی می‌کنند تا جن و پری آن را گرفته و بیماریشان را رها کنند.

بیماری‌های جسمی

سردرد

- در درمان سردردی که به نام نیم‌سر می‌شناسند قسمتی از مابین ابروها و بالای پیشانی را با دست بالا کشیده یا یکی از دوستان با دندان گاز می‌گیرد. سپس زنجبیل را در روغن حیوانی داغ کرده بر بالای پیشانی و بناگوش می‌مالند.

- نوعی گیاه خودرو به نام گوجن (gojan) را می‌جوشانند، بعد از له کردن آن و مجدداً با آب گرم خمیر کرده بر پیشانی می‌بندند.

- سردرد را ناشی از سرماخوردگی می‌دانند و بر پیشانی و پشت گوش‌ها ویکس می‌مالند.

- آویشن را با زنجبیل ساییده می‌جوشانند، تا کاملاً آبش خشک شود، مانند ضماد بر پیشانی می‌بندند.

- زنجبیل و دارچین را می‌سابند سپس گرم کرده بر پیشانی می‌بندند.

- صبرزرده، مرباد (morbid) را می‌سابند به همراه حنا خیس‌انده بر پیشانی می‌بندند.

- از برگ درخت حنایی که در کنار روستای هنگام قرار دارد و به نام شاهزاده قاسم مشهور است می‌کوبند، همانند ضماد بر سر می‌بندند.

چشم‌درد

- بل (bel) جفت کودکان خود را حفظ و نگهداری می‌کنند، به محض درد ناحیه چشم مقداری از آن را که کاملاً خشک شده است، می‌سابند و بر پشت چشم می‌مالند.

- برگ درخت دهیل (dehil) را با دهان جویده وقتی کاملاً نرم شد، قطره‌ها از آن را در داخل چشم‌دردناک می‌چکانند. این روش برای رفع کوبیدگی اطراف چشم مؤثر است.

- گیاهی موسوم به گنجل (ganjal) را به وسیله چراغ فتیله‌ای کاملاً سوزانده سپس دوده را با روغن گاو آمیخته همانند سرمه در چشم می‌کشند.

- در صورتی که در چشم رگ خونی پیدا شود، نبات را ساییده، مقدار کمی در چشم می‌ریزند.

- میله چوبی سرمه‌دان را در آب سرد زده در داخل چشم می‌کشند.

- قند را به همراه مورد و ناف خشک شده کودک ساییده با روغن حیوانی آمیخته داخل چشم می‌چکانند، به جای قند از نمک نیز می‌شود استفاده کرد.

- تنباکو را دود کرده، دود آن را به چشم‌ها می‌رسانند.

۱. درخواست بز یا گوسفند و سفره را ملا وقتی کتاب دعایش را باز می‌کند می‌فهمد و می‌گوید که چه چیزی را بایستی برای بیمار خیرات جن یا پری بکنند.

- روغن حیوانی را داغ کرده وقتی ولرم شد در داخل چشم می‌چکانند.
- گیاهی موسوم چه‌میزه (čhmize) را می‌کوبند تا کاملاً آرد شود. سپس با استفاده از خرما مقداری از آن را در چشم می‌ریزند.
- چند قطره آب دریا در چشم می‌چکانند.
- موم کندوی عسل بر چشم می‌بندند.
- شیرزن تازه زایمان کرده را در چشم می‌ریزند، قبلاً شیر را با نمک مخلوط می‌کنند.
- زاج را ساییده با شیر زن تازه زایمان کرده آمیخته در چشم می‌ریزند.

گل‌مژه

- برگ درخت دهیل را ساییده مقداری از آن در روی چشم می‌ریزند.
- نوک انگشت شست یا نشانه را با نخ کاموایی محکم می‌بندند تا خون جمع شود، موقعی که مانند نبض نوک انگشت بزند، در آن سوزن فرو کرده، خون آن را روی گل‌مژه می‌ریزند.
- گوش درد در صورتی که گوش درد همراه با چرک باشد، مقداری زاج را روی حرارت ملایم می‌سوزانند سوخته حاصل را با مقداری زردچوبه مخلوط می‌کنند در داخل گوش می‌گذارند تا چرک را بیرون بکشد.
- مقداری آویشن را داخل پارچه‌ای می‌خیسانند آب آن را در گوش می‌چکانند.
- شیرزن تازه‌زاییده را در گوش می‌چکانند.
- روغن کنجد را داغ کرده، مقداری زردچوبه اضافه کرده، همین‌که اندکی ولرم شد در گوش می‌چکانند.
- روغن کنجد را با ساییده تنباکو داغ کرده همانند ضماد بر گوش می‌گذارند.
- تنباکو را سوزانده دود آن را به گوش می‌فرستند.
- آویشن سبز را جوشانده آب آن را در گوش می‌چکانند.
- مقداری آب دریا در گوش می‌ریزند.
- شیره درختی به نام بریج (berij) را در روغن حیوانی را ذوب کرده، وقتی اندکی سرد شد در گوش می‌چکانند.

گلورد

- از نوعی گیاه آبی که در جنگل حرا رشد می‌کند و شیمی (simy) نامیده می‌شود می‌سوزانند، خاکستر آن را در پارچه‌ای ریخته به گردن بیمار می‌آویزند.
- تخم‌مرغ محلی را در روغن حیوانی سرخ کرده، پس با نمک و زردچوبه فراوان آمیخته از روی گردن می‌بستند.
- کاغذ آبی‌رنگ (منظور کاربن) را بر گردن می‌بندند.
- خوردن آب جوش را نافع می‌دانند.
- با روغن کنجد یا نارگیل روی گلو را ماساژ می‌دهند.
- گوجل، صبرخشک، مرباد، مرداغ را می‌سایند سپس با مقدار کمی آب خیسانده همانند ضماد بر گلو می‌تورم شده می‌بندند.

- در صورتی که گلودرد چرکی باشد انگشت سبابه را در زردچوبه زده روی لوزه‌ها بیمار آنقدر فشار می‌دهند تا چرک آن خارج شود. استفاده از زردچوبه چند بار تکرار می‌کنند سپس زیر گردن بیمار را با روغن حیوانی داغ شده ماساژ می‌دهند.

در صورتی که زبان کوچک در گلو پایین بیفتد نزد دایه می‌روند وی ابتدا با استفاده از دو پیش‌خرما وسیله‌ای مانند انبر تهیه می‌کند سپس دو سر آن انبر را با پارچه تمیزی می‌پوشاند و در محلول زعفران خیسانده، سپس با استفاده از کشیدن زبان با انگشت سبابه از کام به حلق گلو را بر سر جای خود قرار می‌دهد و با انبر زعفرانی زبان کوچک را فشار می‌دهد تا احیاناً چرک آن نیز خارج شود در روش دیگر درمان افتادن گلو نزد دایه می‌روند وی ابتدا روی گلو و بناگوش و وسط پیشانی بیمار را می‌مالد سپس وقتی بیمار در ناحیه‌های ذکر شده احساس گرما کرد با استفاده از روغن حیوانی از کام تا حلق را با انگشت سبابه بالا می‌کشد.

خون دماغ

- روغن حیوانی را داغ کرده پیاز سرخ‌شده را به آن اضافه کرده، چند قطره از آن را در بینی می‌چکانند.
- یک تکه پارچه را همانند فتیله کرده در حفره دماغ قرار می‌دهند.
- نبات را ساییده در حفره دماغ می‌ریزند.

دندان درد برای درمان کرم دندان، روغنی حیوانی را با نمک فراوان می‌جوشانند سپس در حفره خالی دندان بعد از اینکه اندکی ولرم شد می‌ریزند.
- مقداری نفت را به پنبه آغشته کرده روی دندان دردناک می‌گذارند.

دل درد

- مقداری لیمو را با آویشن و کندر (درمانی) جوشانده، آب حاصل را بیمار می‌نوشد.
- جوشانده آویشن، کلپوره، آزموده می‌نوشد.
- گیاه کلپوره خشک را همانند آدامس می‌چوند.

درد ناف بیماری در ناحیه ناف را افتادن دوراغ (dorây) می‌نامند و برای درمان از روش‌های زیر استفاده می‌کنند.
- مورپوچ (morpoč) را با کندر خوراکی دم کرده به بیمار می‌خورانند.
نزد دایه رفته وی ناحیه ناف را آنقدر با دست می‌مالد، تا بیمار در پاها و دست‌هایش احساس گرما کند، در آن موقع می‌فهمند که ناف به جای خود برگشته است.

یرقان در نقاط بررسی شده یرقان را به نام زردوک (zardok) می‌شناسند. برای درمان نزد افرادی^۱ که در درمان یرقان تبخّر دارند می‌برند. وی ابتدا دو گوش بیمار را آنقدر ماساژ می‌دهد تا به مرحله‌ای برسد که

۱. یکی از زنان حاقد در این کار در روستایی کوویی زندگی می‌کند، و مرد دیگری به نام استاد مسلم در شهر قشم به طبابت بیماران یرقانی می‌پردازد.

- در وسط قرمزی لاله گوش نقطه زردرنگی مشاهده شود، بلافاصله آن دو نقطه در گوش‌ها را با سوزن سوراخ کرده و قطره‌ای از خون گوش چپ را به چشم راست و قطره‌ای از گوش راست به چشم چپ بیمار می‌چکانند، بدین ترتیب یرقان رفع می‌شود.
- دود اسپند به همراه آویشن به تن و بدون بیمار می‌رسانند.
 - عرق شاه‌تره به بیمار می‌خورانند.
 - خاکشیر را با آب گرم شسته، ولرم به بیمار می‌خورانند.
 - بعد از بازگشت از نزد دایه که خون یرقان را گرفته است، زردچوبه را به ماست ترش اضافه کرده به بیمار می‌خورانند و تن و بدن بیمار را با روغن حیوانی ماساژ می‌دهند.
 - عرق نعنا سرد می‌نوشند.
 - به بیمار دوغ ترش می‌خورانند.
 - چوب سرمه‌دان مادر بیمار را با ادرار کودکی آغشته کرده در چشم‌های بیمار یرقانی می‌کشند.
 - شربت تخم ریحان به بیمار می‌خورانند.
 - لیموترش به بیمار می‌خورانند.
- سیاه‌سرفه** در این مناطق این بیماری به نام کورج بنکو (korah bonko) معروف است. برای درمان از روش‌های زیر استفاده می‌کنند.
- خاکشیر را با نمک گرم کرده در دستمالی ریخته بر سینه بیمار می‌بندند.
 - نمک و خرما را ضماد کرده بر سینه بیمار می‌بندند.
 - تخم‌مرغ و شیر را پخته به بیمار می‌خورانند.
 - تخم لاک‌پشت دریایی را آب‌پز کرده به بیمار می‌خورانند.
 - خرچنگ سفید به نام شیوب را آب‌پز کرده، آب آن را به بیمار می‌خورانند.
 - عسل و شیر را مخلوط کرده به بیمار می‌خورانند.
- گوجل (gojal) نوعی گیاه خودرو را با زردچوبه و موم عسل ضماد کرده روی سینه بیمار می‌بندند. از دم‌کرده گیاه خودرو به نام سگ واوا (saga wāwā) می‌نوشند.
- زنجبیل را همانند چای دم کرده به بیمار می‌خورانند تا چرک سینه‌اش زودتر خارج شود. نوشیدن شیر الاغ و اسب را برای درمان بیماری مفید می‌دانند.
- سینه درد** در نقاط بررسی‌شده در صورتی که بعد از سرماخوردگی بیماری در ناحیه قفسه سینه احساس درد و سوزش بکند از روش‌های زیر استفاده می‌کنند:
- بذرتلی (تره تیزک) را به همراه خرما و موم عسل گرم کرده بر پارچه آب‌نדיده کشیده بر روی سینه به مدت ۳ روز می‌بندند.
 - از مشمع‌های طبی استفاده می‌کنند.
 - اطراف کمر و سینه بیمار را با ویکس ماساژ می‌دهند.

- خرما را جوشانده، بخار آن را استنشاق می‌کنند.
- زنجبیل را دم کرده می‌نوشند.
- با زنجبیل ساییده تن و بدن بیمار را ماساژ می‌دهند.

تب و لرز

- بر تن و بدن بیمار دود اسپند می‌زنند.
- در جای گرم می‌خوابانند تا عرق کند و تب از بین برود.

افتادن دل و درد معده هسته خرما را درآورده می‌کوبند تا مانند ضماد شود، سپس به مدت ۳ روز متوالی خرما را روی معده و دل بیمار می‌بندند. به این ترتیب دل سر جایش برمی‌گردد. در روز سوم خرماها را برای گنجشک‌ها می‌ریزند.

سرخک در این مناطق بر این باورند که بیماری سرخک دوره معینی دارد و با اندکی پرهیز بهبود می‌یابد، این بیماری در اصطلاح محلی به نام سهرک (sohrak) می‌شناسند. برای درمان و مراقبت از بیمار از روش‌های زیر استفاده می‌کنند:

- این بیماری در سه روز اول تب دارد در این مدت بر تن و بدن بیمار آب نمی‌زنند، فقط مقداری اسپند دود کرده، دود آن را به تن بیمار می‌رسانند، و جای خواب بیمار را گرم می‌کنند، تا عرق کند.
- بعد از اینکه دانه‌های سرخک روی پوست ظاهر شد، در چند مرحله شربت خاکشیر به بیمار می‌خورانند.
- بیمار را در تمام مدتی که بهبود نیافته است از دید افراد ناپاک محفوظ نگه می‌دارند، چون نجاست بیماری را وخیم می‌کند.
- در تمام مدت بیماری از خوردن، ماهی، گوشت و تخم‌مرغ پرهیز می‌کنند.
- بعد از ۹ روز بیمار بهبود می‌یابد، با آب ولرم تن بیمار را می‌شویند، مجدداً برایش اسپند دود کرده، و در رختخواب تمیز می‌خوابانند.
- به بیمار در طول بیماری برنج سفید و نان سفید می‌خورانند.

آبله به نام دونه‌قره‌ک (done garak) شناخته می‌شود. در نقاط بررسی شده برای درمان از مقداری پوست آبله خشک‌شده را در خانه نگه می‌دارند، در شیوع بیماری مقداری از آن را ساییده، بر بازوی کودک تیغ زده، با نوک سوزن مقداری از پوسته آبله را روی زخم می‌ریزند، بعد از مدتی بیمار تب می‌کند، در طول تب به بیمار شربت خاکشیر یا نبات می‌دهند. همین‌که تب قطع شد، بیماری درمان می‌شود همچنین نسبت به بیماری واکسینه می‌شود.

اسهال برای درمان از دانه‌های تلخ (مرباد، کلیپوره، ...) به بیمار می‌خورانند.

- به بیمار جوشانده هفت‌درمونی مرکب از لیموعمانی، کدر، مورخش، کلیپوره، هل، انبه، هسته جمع و مورپوچ می‌خورانند.

- کلیپوره، هسته انبه، هسته جمع را کوبیده به بیمار به صورت خشک با آب می‌خورانند.
- نشاسته را در آب ولرم حل کرده به بیمار می‌خورانند.
- هسته انبه، کندروک را به همراه مقداری هل و نبات جوشانده، همانند چای مصرف می‌کنند.
- قهوه تلخ می‌خورند.
- در صورتی که اسهال فردی به‌راحتی درمان نشود، یکی از دوستان به خانه‌اش آمده تعدادی میهمان می‌آورد، بیمار را می‌خواباند، سپس یک ریسمان را از لای دو انگشت شست پا رد کرده تا روی سر بیمار گره می‌آورد. سپس از حاضران می‌پرسد ببرم، و چاقو را در نزدیک طناب می‌گذارند، حاضران می‌گویند، نه نبر، مجدداً طناب را از پا تا سر می‌کشد و می‌پرسد، ببرم، حاضران می‌گویند نبر، و بار سوم، چاقو را روی ناف بیمار می‌گذارد و می‌گوید ببرم، حاضران می‌گویند، ببر، سپس طناب را می‌برد و روی ناف را با نمک گرم‌شده ماساژ داده، طناب را از روی بیمار برداشته در حالی که سعی می‌کند به عقب برنگردد. طناب را پشت سرش پرتاب می‌کند. به این ترتیب اسهال قطع می‌شود، برای بهبود کامل از سنگ‌های گرم اجاق نیز روی شکم می‌بندد. چای خشک را در دهان می‌جود تا اسهال قطع شود.
- کندروک را می‌چوند.

پیوست

- آویشن را در آب سرد حل کرده، را به بیمار می‌خورانند.
- تمبره‌ندی را در آب گرم حل کرده می‌خورند.
- آویشن، کندروک و لیمو عمانی را دم‌کرده به بیمار می‌خورانند.
- شکر و گل‌سرخ را جوشانده به بیمار می‌خورانند.

استفراغ

- زیره را دم‌کرده به بیمار می‌خورانند.
- آب لیمو می‌خورند.
- کلیپوره، گل‌خاری، جوشانده آبش به بیمار می‌خورانند.

شاش‌بند

- زیره سیاه دم‌کرده می‌خورند.
- مهره سرخ به نام سنگ گرژی (garzi) روی آلت کودک می‌گذارند.
- برای اینکه کودک تازه‌متولدشده بعد از تولد بلافاصله ادرار کند، کلاه عمویش را زیر سرش می‌گذارند یا اینکه مقداری پول از دایی کودک گرفته در دست‌هایش می‌گذارند تا زودتر ادرار کند.
- مقداری روغن حیوانی را داغ کرده قطره‌ای را بر آلت بیمار می‌پاشند.
- ویکس بر آلت بیمار می‌کشند سپس در آب ولرم می‌نشانند.
- جلبک‌هایی که کنار ساحل فراوان است، صبح زود آورده روی آلت کودک قرار می‌دهند.

ناراحتی کلیه برای رفع درد کلیه گیاه موسوم به خلفه را با ساقه و ریشه‌اش جوشانده، آبش را به بیمار می‌خورانند.

افتادن باد در بدن این بیماری در صورتی ایجاد می‌شود که کودک پسر یا دختر از بوی غذایی در ناحیه سینه و آلت تناسلی دچار ورم شوند برای درمان نزد فردی که بادخور (bâdxor) می‌نامند می‌رود. وی بعد از معاینه دستور خرید یک بز صحیح و سالم را می‌دهد سپس در روز جمعه بز و بیمار را به خارج از شهر می‌برند تا صدای دریا را بشنود. ابتدا محل ورم را با استفاده از ۲ عدد میخ که در آتش داغ شده است، ۲ داغ می‌گذارد برای دخترها روی سینه و برای پسرها پشت کمر، سپس بز را که قبلاً کشته‌اند، پوستش را درآورده، در تن بیمار می‌کنند تا بیمار در آن تب و عرق کند، منتهی چون پوست روی بدن کشیده و تنگ می‌شود، مدام یک نفر پوست را از بدن جدا می‌کند، از این روش برای درمان سرماخوردگی‌های شدید که همراه با درد استخوان هم استفاده می‌کنند. در صورتی که بدون احساس تب و ناخوشی در اندام‌ها و مفاصل احساس درد کنند معتقدند باد در بدن افتاده است. برای این منظور با پیش‌سبز - خرما - دستبندی بافته در میج دست راست به مدت ۳ روز می‌بندند تا باد خارج شود.

زخم‌ها و جراحات‌ها

دمل به نام شاجو (šâjo) شناخته شده است، و عبارت است از دانه‌های چرکین که در اطراف مفاصل زانو ایجاد می‌شود.

برای درمان ابتدا دور تا دور زخم را با خرما می‌کوبیده‌شده می‌بندند، سپس داخل خرما و روی زخم مقداری نمک ساییده و آویشن می‌ریزند، روی آن نیز چند قطره آب‌لیمو ریخته به مدت ۳ روز با دستمال می‌بندند، بعد از سه روز خرما برداشته، با چوب خرما، که کاملاً تیز شده است، روی دانه را سوراخ می‌کنند، تا چرک خارج شود.

صبر زرد را جوشانده تا کاملاً رقیق و مثل ضماد نرم شود، سپس روی پارچه آب‌نדיده می‌مالند و روی زخم می‌گذارند، بعد از ۳ روز، وقتی زخم سرباز کرد، چرک خودبه‌خود خارج می‌شود، با موم عسل می‌مالند تا سطح پوست هموار شود.

زگیل این بیماری بنام نرگ (narag) شناخته شده و معتقدند اگر روی گربه آب بپاشند دانه ایجاد می‌شود - برای درمان پیاز را سرخ کرده و داغ داغ روی زگیل می‌گذارند تا ذوب بکند.

کچلی موضع زخم کچلی را با سنگ زاج می‌سایند، تا خون بیاید. سپس با ساییده کُنار (konâr) که در آب حل کرده‌اند موها را می‌شویند و یک عدد زرده تخم‌مرغ محلی را به مدت یک روز روی زخم می‌بندند. اگر زخم از بین نرفته باشد مجدداً شست‌وشو با زاج و کُنار را ادامه می‌دهند.

فرو رفتن جسم خارجی با خرما له‌شده و روغن حیوانی ضماد درست کرده روی محل فرو رفتن شیء یک‌شب می‌بندند تا صبح فردا خارج می‌شود.

- در روستای دیرستان اگر خار در دست فردی فرو رفته باشد نزد فردی که اصطلاحاً صیاد نامیده می‌شود می‌رود. وی با خواندن دعا، برای مدتی درد را تسکین می‌دهد، موضع درد را با عرق آویشن و نمک می‌شویند، تیغ خودبه‌خود خارج می‌شود.
همچنین اگر خار ماهی در گلو فردی فرو رفته باشد نزد فردی که اصطلاحاً خارگشا (xargosa) می‌نامند می‌برند. وی با گرداندن یک تیغ ماهی روی گلوی بیمار، و خواندن دعای مخصوص، برای چهل روز بیمار را تسکین می‌دهد، بعد از پایان چهل روز تیغ ماهی از گلو خارج می‌شود.
- در موضع فرو رفتن شیء، روغن نباتی می‌مالند، سپس با سوزن داغ‌شده اقدام به خارج کردن خار می‌کنند.

عقرب گزیدگی

- ماهی سوراخ را گرماگرم روی زخم می‌گذارند.
- در صورت امکان عقرب را کشته روی عقرب‌گزیدگی می‌بندند.
- در صورتی که فردی را عقرب بگزد ابتدا بالای زخم را با بندی محکم می‌بندند، سپس یک تیغ را داغ کرده روی موضع گزیدگی را تیغ می‌زنند مقداری نمک روی بریدگی می‌ریزند، زهر خارج می‌شود.
- به بیمار آب‌لیمو و در صورت امکان شیر یا ماست می‌خورانند.
- صبر زرد را جوشانده روی عقرب‌گزیدگی می‌مالند.
- چای را داغ روی عقرب‌گزیدگی می‌ریزند.

مارگزیدگی برای درمان نزد دم‌گیر (damgir) می‌روند. این فرد در واقع ملاً است و قدرت او در مهار و درمان مار تا زمانی است که مار و عقرب را نکشد.

وقتی فردی را مار بگزد او را نزد این فرد می‌برند. او با خواندن دعایی مخصوص بر گل و خاک و خیس کردن آن را روی موضع زهر مار بمالد تا زهر خارج شود، و فردی را که مار گزیده ۳ روز از خوردن تخم‌مرغ، گوشت، خیار و ماهی پرهیز می‌دهد و توصیه می‌کند، به همراه فردی که به نزدش آورده بدون اینکه شخص دیگری صورت وی را ببیند ۳ روز قرنطینه باشد، در صورتی که فرد دیگری مارگزیده را ببیند هلاک می‌شود.

از مارهای سمی این منطقه مارهای کور، کبری، شیر، ازدها، و افعی از همه خطرناک‌تراند. بنابر اعتقادات هرگاه مار وارد خانه‌ای شود، قسمتی از موی کسی که اولین بار او را دیده بسوزانند مار کور می‌شود.

همچنین اگر مار در خانه‌ای وارد شود، زن حامله‌ای بلافاصله بعد از دیدن مار ۲ انگشت شست پایش را روی هم بگذارد، مار جادو شده و از جایش تکان نمی‌خورد.
- به فرد مارگزیده شیر می‌خورانند، تا زهر را از بین ببرند.
- مرغی را کشته روی نیش مار قرار می‌دهند تا زهر را بکشد.
- در صورتی که امکان‌پذیر بود روی زخم مار را تیغ زده با دهان زهر را می‌کشند.

حجامت در نقاط بررسی شده هنگامی که درد بدون علت در بدن احساس شود حجم (hajama) می‌کنند، این کار توسط زنان کولی و دوره گرد انجام می‌شود. بهترین فصل حجامت را تابستان می‌دانند. برای حجامت کردن، ابتدا با استفاده از شاخ گاو در پشت کمر مقداری پوست را می‌کشد به نحوی که کاملاً پوست کشیده شود، سپس شاخ گاو را برداشته با استفاده از تیغ، سطح پوسته را تیغ می‌زنند، آنقدر خون خارج می‌شود، خون‌های سیاه رنگ نشانه بیماری است همین که خون سرخ بشود یعنی بیماری خارج شده سپس مقداری دمای مرکوکروم بر سطح پوست می‌ریزند تا خونریزی قطع شود.

درمان نازایی

- دیق انداختن (diyandâxtan) کوزه انداختن: برای این منظور از کوزه‌های کوچکی که در سابق در آن ماست می‌زدند استفاده می‌کردند، ابتدا داخل فضای کوزه را با خرمای له شده اندود می‌کنند، سپس یک لایه پنبه بر خرما کشیده سپس مقداری نفت می‌ریزند و کبریت می‌کشند، وقتی پنبه آتش گرفت بلافاصله بر ناف زن قرار می‌دهند، تا موقعی که کوزه خودبه‌خود بیفتد، معمولاً به مدت ۳ مرتبه این کار را انجام می‌دهند.

- سنگ زاج را خرد کرده به اندازه دانه عدس در دهانه رحم قرار می‌دهند، و معتقدند که زن نازا دهانه رحمش را چربی گرفته است و سنگ زاج چربی را ذوب می‌کند.
- اسپند را جوشانده، آب حاصل را می‌نوشند، خوردن آب اسپند را در تنظیم عادات ماهیانه نیز مفید می‌دانند.

- از ساییده کلپوره، فلفل سیاه، و زنجبیل، که در روغن حیوانی پخته شده است، یک هفته یا بیشتر به زن نازا می‌خورانند، مخصوصاً این دارو برای زنانی تجویز می‌شود که مدام جنین خود را سقط می‌کنند و یا فرزند مرده به دنیا می‌آورند.

- برای درمان خونریزی زنان و کمردرد از جوشانده گمرک (gahmerg) قازی (qâzy)، قرص کمر دم‌کرده به زن بیمار می‌خورانند، فوراً خونریزی‌اش قطع می‌شود.
- در مواردی که این داروها تأثیر نداشت به ادعیه پناه می‌برند، معمولاً نزد شیخ و قرآن‌خوان رفته وی برایش دعای کمر و هیکل می‌نویسد تا از گردنش بیاویزد.

- در روستای گیاهدان زنان نازا به امامزاده‌ای نزدیک رمکان، به نام قدمگاه درویش محمد(ص) نذر می‌کنند و وقتی آنجا رفتند تمامی بندها و دگمه‌ها و حتی موی سر و برکه را باز کرده از حفره میان تهی که در آن امامزاده است، ۴ بار رد می‌شوند و معتقدند که اگر با صدق دل این کار را انجام دهند، حتماً بچه‌دار می‌شوند.

شکسته‌بندی

کوفتگی در نقاط بررسی شده برای درمان کوفتگی بدن مقداری زردچوبه را در آب گرم جوشانده، بعد از ولرم شدن نقاط دردناک را با آن ماساژ می‌دهند.

دوررفتگی عضو در رفته را با مقداری آب ولرم ماساژ داده سپس قسمت در رفته را جا می‌اندازند.

دررفتگی بازو و کتف اگر دررفتگی به صورت افتادن دست به پایین باشد، یک گلوله کاموایی زیر بغل فرد بیمار قرار داده، بعد از اینکه با دست و آبگرم ماساژ داده شد، با فشار دادن دست‌ها به طرف سینه عضو جابه‌جا می‌شود. و اگر دررفتگی کتف طوری باشد که عضو دررفته به سمت بالا رفته باشد، با ماساژ دادن موضع از قسمت بالا به آرامی فشار آورده و عضو را جابه‌جا می‌کند.

دررفتگی استخوان‌های سطح پا در این صورت استخوان‌ها جابه‌جا می‌شود، بعد از ماساژ با آب گرم، شکسته‌بند پاهای خود را بر سطح پای بیمار گذاشته در حالی که در کف پای بیمار گلوله کاموایی قرار دارد به آرامی فشار می‌آورد تا استخوان‌ها جابه‌جا شوند.

دررفتگی مفصل زانو با قرار دادن گلوله‌ای به اندازه کشکک زانو، عضو دررفته را ماساژ داده با فشار دست، سطح زانو را که تا شده است صاف می‌کند.

علاوه بر دررفتگی‌های ذکر شده دررفتگی گردن، چانه، آرنج، مچ دست، بند انگشتان، لگن خاصره، زانو و غیره نیز با همین روش ماساژ با آب گرم امکان‌پذیر است.

شکستگی در نقاط بررسی شده معتقدند بیماری که عضو شکسته شده دارد، بایستی قبل از ده روز به طبیب و استاد شکسته‌بند مراجعه کند، در غیر این صورت شکستگی پیه و گوشت درآورده و استخوان به همان حالت جوش می‌خورد. همچنین در صورتی که عضو شکستگی همراه با خونریزی باشد، ابتدا زخم را پانسمان کرده بعد از رفع خونریزی برای شکسته‌بندی مراجعه می‌کنند.

- استخوان‌های بیماران جوان زودتر از افراد مسن جوش می‌خورد و طول مدت درمان افراد مسن بیشتر است. مطالب ذکر شده حاصل مصاحبه با استاد شکسته‌بند روستای گیاهدان است که خود، عمو، برادرزادگان و پدر، پدر بزرگ وی مدت‌های مدیدی است که در روستای گیاهدان به شکسته‌بندی مشغول‌اند، و علاوه بر درمان بیماران جزیره قشم، کشورهای دویی، ابوظبی، و شهرستان‌های میناب و بندرعباس، شیراز، جاسک، بلوچستان نیز از فیض وجود آن‌ها بهره‌مندند.

دوای استاد شکسته‌بند شیره گیاهی به نام انزورت است، این شیره از درختچه‌هایی که در صحراهای بندرعباس و جزیره خمیر وجود دارد با کوبیدن در هاون و مخلوط کردن با تخم‌مرغ و زردچوبه به دست می‌آید. روش کار بدین شیوه است که وقتی بیمار به استاد مراجعه کرد، وی ابتدا عضو را معاینه کرده نحوه شکستن و تعداد شکستگی را می‌فهمد، با آب ولرم، عضو شکسته را ماساژ داده، استخوان‌ها را به راست می‌کند و جا می‌اندازد. سپس با یاری فردی دیگر که استخوان را کشیده نگه داشته است.

مرهم را در پارچه کشیده، روی عضو را می‌پوشاند، سپس اطراف باند مقداری مقوا که به صورت قوطی ساخته قرار می‌دهد. و با دستمالی در گردن بیمار (اگر دست باشد) می‌آویزد، در گذشته به جای مقوا از تعدادی پیش‌خرما استفاده می‌شد، (البته امروزه نیز موارد مصرف دارد) و بعد از پایان دوره درمان، بیمار چوب‌های استاد را به وی باز می‌گرداند سپس عضو را رها می‌کند و به بیمار توصیه می‌کند که مدت ۳ یا ۴ روز استراحت کند تا عضو شکسته جوش بخورد.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

دایه محلی که امور مربوط به زایمان، ختنه دختران، سوراخ کردن گوش و دماغ کودکان، درمان یرقان، و امور مربوط به نازایی را به عهده می‌گیرد.

خارکش فردی است که با ادعیه و دعا به در آوردن تیغ از گلوئی بیماران می‌پردازد.

صیاد فردی است که اجسام فرورفته در پوست را با ادعیه خارج می‌کند.

دمگیر یا مارگیر کسی است که برای درمان مارگزیدگی به وی مراجعه می‌کنند.

استاد ختنه به ختنه اطفال پسر می‌پردازد.

استاد شکسته‌بند در شکسته‌بندی و دررفتگی فعالیت می‌کند.

بابازار / مامازار برای درمان بیماری روحی - جسمی (باد) به طبابت می‌پردازد.

ملا برای درمان ترس، با ادعیه و دعا بیماران را درمان می‌کند.

عطار که ادویه‌جات و گیاهان دارویی می‌فروشد.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی